

چند بازیگر فراری در ماجراهای اخیر چطور نقش شعبان جعفری سال ۳۲ را بازی کردند

اشکان بی‌مخ



در تاریخ معاصر ایران، شعبان جعفری موسوم به بی‌مخ بیشتر از هر شخصیتی نماد خشونت سازمان‌یافته و تحریک به ناآرامی تحت پوشش دولت‌های خارجی است. شعبان جعفری به عنوان یک اراذل و اوباش شناخته‌شده در رویدادهای کلیدی مانند کودتای ۲۸ مرداد نقش آفرینی کرد. او با خشونت فیزیکی و دامن‌زدن به آشوب‌های خیابانی به ابزاری برای بی‌ثباتی و تحقّق کودتا تبدیل شد. شعبان بی‌مخ و مدل‌های نوین او، در هر بحرانی، مورد توجه دشمنان ایران و رسانه‌های همسو با دشمنان هستند. چهره‌هایی که جسارتی مثل شعبان بی‌مخ برای حضور در کف خیابان را ندارند، اما رفتارها و اظهاراتشان یادآور همان الگوی قدیمی است. افرادی مانند برزو ارجمند، حمید فرخ‌نژاد، مهناز افشار، احسان کر می، اشکان خطیبی و ارژنگ امیرفضلی، شعبان بی‌مخ‌های ۱۴۰۴ هستند و بی‌بی‌سی فارسی، منوتو و اینترنشنال رسانه کودتا با این تفاوت که در کودتا ۲۸ مرداد پنهانی و با کدهای «ساعت هم اکنون دقیقاً ۱۲ نیمه شب است» فرمان کودتا می‌دادند؛ اما اکنون کاملاً علنی و بدون روپوش به رسانه آشوب تبدیل شده و به آتش کشیده شدن ایران را با افتخار پوشش می‌دهند.

این عناصر مدرن مانند شعبان بی‌مخ، به تحریک خشونت، حمایت از مداخله خارجی و کاسبی از نابودی جامعه می‌پردازند، بدون اینکه خود در معرض خطر قرار گیرند بنابراین می‌توان گفت حتی در قامت شعبان بی‌مخ نیز ظاهر نشده و شمایلی ضعیفی از آن هستند که خشونت را نه با سرکردگی آشوبگران بلکه با کلمات و تصاویر از راه دورشان ترویج می‌دهند.

فراخوان به ویرانی خارجی

برزو ارجمند، اشکان خطیبی، حمید فرخ‌نژاد، مهناز افشار و احسان کر می از دونالد ترامپ درخواست کرده تا به ایران حمله نظامی کند و ایرانی‌ها را به قتل برساند. شعبان بی‌مخ هم در دوران خود با حمایت از قدرت‌های خارجی مانند انگلیس و آمریکا، دار و دسته‌اش را به خیابان‌ها ریخت تا با خشونت، مسیر کودتا را هموار کند. شعبان جعفری خود وسط آشوب بود، اما این افراد با پوست‌های مجازی و مصاحبه‌ها همان هدف را دنبال می‌کنند. شعبان بی‌مخ، به عنوان یک لات خیابانی، از حمایت مالی و سیاسی خارجی بهره می‌برد تا آشوب ایجاد کند. سلب‌ریتی‌های خارج‌نشین نیز با درخواست حمله نظامی از سرویس‌های

شکاف‌های اصلی جامعهٔ آمریکا در اعتراضات فعال شده است

اوباما و کلینتون وسط قصهٔ مینه‌سوتا



با وقایع ایالت مینه‌سوتا و کشتار مردم معترض، دولتمردان سابق از حزب دموکرات دور جدیدی از انتقاد به دولت «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا را کلید زده‌اند. باراک اوباما و بیل کلینتون، دو رئیس‌جمهور اسبق از حزب دموکرات به‌سرعت وارد میدان شده‌اند و نسبت به در خطر قراردادن ارزش‌های سنتی این کشور هشدار داده‌اند. اوباما معتقد است «زنک خطر» در آمریکا به صدا درآمده است. او در پیامی مکتوب نوشته است: «قتل الکس پرتی یک تراژدی دلخراش است، همچنین باید برای هر آمریکایی صرف‌نظر از حزب، زنک خطری باشد که بسیاری از ارزش‌های اصلی ما به‌عنوان یک ملت به‌طور فزاینده‌ای مورد حمله قرار می‌گیرند.» علی‌رغم حمله تند به ترامپ، اما اوباما به نر می درباره نهادهای فدرال یا همان دولت مرکزی سخن گفته و آن‌ها را در مسیر اجرای دستورات به چالش کشیده است؛ این در حالی است که مأموران اداره مهاجرت به دلیل جست‌وجو برای یافتن مهاجران، زندگی را بر مردم سخت کرده و نیروهای نظامی گارد ملی نیز مانع تجمع و ابراز خواسته معترضان شده‌اند. اوباما که از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۷ قدرت را در دست داشت در این زمینه نوشته: «مأموران اجرای قانون فدرال و مهاجرت کار سختی دارند؛ اما آمریکایی‌ها از آنها انتظار دارند که وظایف خود را به روشی قانونی و مسئولانه انجام دهند

اپوزیسیون مخلوع در ۲ هفتهٔ گذشته چند شکست مهم خورده است

کورتاژ فراخوان‌های پهلوی

تعداد فراخوان‌های رضا پهلوی در یک ماه گذشته برای حضور مردم ایران در خیابان، از شمارش خارج شده است. او با هر نقسی که می‌کشد، یک عدد فراخوان هم صادر می‌کند که به قول خودش مردم را برای مخالفت با جمهوری اسلامی به خیابان‌ها بکشاند. اگر خیابان نشد، حداقل از پشت پنجره خانه‌ها شعار دهید. اگر آن هم نشد، بیاید یک دقیقه سکوت کنیم! این آخری البته شاهکار مادر رضا پهلوی بود؛ یک دقیقه سکوت برای سوگاری کشته‌هایشان در ایران که آن‌ها را مردم ایران می‌نامند. سرانجام هم معلوم نشد کسی آن ساعت به خصوص در خانه‌اش یا توی خودرو یا وسط مهمانی و عروسی و تفریح و سینما سکوتی کرده که حرف شهبانو فرح زمین نیفتد یا خیر!

کلکسیون فراخوان‌های بی‌اجابت

نگاهی به فراخوان‌های رضا پهلوی از ابتدای وقایع دی ماه سال جاری تاکنون نشان می‌دهد که تنها فراخوان او که توانست جمعیتی را به خیابان بکشاند، همان فراخوان کذایی ۱۸ و ۱۹ دی بود. او در روزهای بعد به دفعات مردم ایران را به حضور در خیابان‌ها یا اقدامات خشونت‌بار و تخریبگر فراخواند، اما کسی به فراخوان او پاسخ مثبت نداد.

رضا پهلوی روزهای متعددی را بسرای حضور در کف خیابان تعیین کرد، همچون روزهای ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ دی ماه؛ اما کف خیابان شلوغ نشد، او پیام ویژه برای پرسنل ارتش فرستاد و آنان را دعوت کرد به او بپیوندند؛ اما



اطلاعاتی غربی موجب دریافت کرده و به دنبال آن هستند که ایران را به میدان جنگی تبدیل کنند که در آن خارجی‌ها پیروز شوند. شعبان بی‌مخ‌های امروز نقش یک واسطه را بازی کرده که از بیرون مرزها، خشونت و بی‌رحمی را ترویژه می‌کنند تا کشته بیشتری بگیرند؛ هر کشته از هر طرف برای آنان، ارزشمند است.

فدا شدن ۸۰ میلیون ایرانی برای فرزندان فرخ‌نژاد

شعبان در خیابان‌های تهران تحت حمایت خارجی، خود را ایمن می‌دانست. سلب‌ریتی‌های خارج‌نشین هم از خارج کشور مردم را به مرگ دعوت می‌کند بدون اینکه خودشان کوچک‌ترین گزندى در این میان ببینند. حمید فرخ‌نژاد که قبلاً گفته بود حاضر است ۸۰ میلیون ایرانی را فدای پسرش کند همین رویکرد را ادامه می‌دهد. اوبدون اینکه خود یا فرزندش به ایران بازگردند و در خیابان حاضر شوند از مردم می‌خواهد به خیابان بیایند تا عوامل مוסاد به جان آن‌ها بیفتند و نظام عوض شود تا او بتواند عواید خانوادگی از نابودی ایران و ۸۰ میلیون ایرانی ببرد.

احسان کر می و مزدک میرزایی هم دقیقاً همین منفعت‌طلبی را معنی می‌کنند. احسان کر می در رویکردی دیکتاتور مآبانه روی آتن اینترنشنال حاضر شده و در برنامه مزدک میرزایی به فوتبالیست‌ها و هنرمندان حمله می‌کند که چرا فعالیت‌هایشان را تعطیل نمی‌کنند تا به پروژه کاسبی او و دیگران بپیوندند. او می‌خواهد در ایران همه چیز تعطیل شود تا اینترنشنال‌ها و کر می‌ها پول بیشتری از کاسبی آشوب و مردم‌کشی عایدشان شود.

تحریک مستقیم به خشونت

اشکان خطیبی با پیام‌هایی مانند «دست خالی نرید تو خیابون، رحم نکنید.» و «ماور دستتون افتاد بهش رحم نکنید» تلاشش را برای تحریک جوانان به خشونت حداکثری متمرکز کرد. او بعد از اقدامات تروریستی، نوشت که «از میان مردم به نیروهای سرکوب تراندازی شده» هر چند خطیبی این اعتراف را خیلی زود از صفحه‌اش پاک کرد، اما به قدر کافی رسانه‌های فارسی زبان ضد ایرانی این روزها روایت خشونت آشوبگران را با افتخار

پوشش داده‌اند که سند کافی برای دیدن واقعیت وجود داشته باشد. حتی اگر خطیبی چنین اعترافی نمی‌کرد هم تصاویر متعددی از مسلح بودن آشوبگران در خیابان وجود دارد. اشکان خطیبی پیش از اوج‌گیری آشوب‌ها در ۱۸ دی هم مدعی شده بود ایلام محاصره شده و مردم در حطی هستند. این در حالی است که حتی غزه نیز در سال ۲۰۲۳ با وجود محاصره گسترده چند هفته تا حطی فاصله داشت؛ اما خطیبی که همواره مردم را به آشوب دعوت می‌کند با هدف ترریق خشم بیشتر به فضا چنین ادعایی را مطرح می‌کرد بدون اینکه اشاره کند رفتار کسانی که تحت‌تأثیر اظهارات خشونت‌طلبانه، فروشگاه‌ها و اقام غذایی را آتش می‌زدند، عامل مشهودتری در رخ دادن هرگونه کمبود ادعایی در مورد مواد غذایی است.

بی‌مخی شبه رسانه‌ها

منوتو، بی‌بی‌سی و اینترنشنال به‌عنوان زبان گویای شعبان بی‌مخ‌های ۱۴۰۴ قابل توصیف هستند. آن‌ها ویدئوهایی از خشونت سازمان‌یافته مانند حمله به کلاترری، آتش‌زدن ساختمان‌ها و ماشین‌ها را با افتخار برای ترویج خشونت بیشتر منتشر می‌کنند.

مثلاً اینترنشنال خبری منتشر کرده که در هفت‌تیر مشهد «معترضان در آستانه کنترل کلاترری بودند اما با تیراندازی عقب‌نشستند.» این رسانه چنین اخباری را با افتخار نقل می‌کند در حالی که در همین روزها اعتراضات در مینیاپولیس آمریکا بدون اینکه تاکنون پلیسی کشته شده باشد به عرصه تقابل سخت پلیس با معترضان تبدیل شده و نفر نیز با گلوله پلیس کشته‌شده‌اند. در مورد ایران اما این رسانه‌ها حتی حمله به کلاترری را هم مشروعیت‌بخشی کرده و نهادهای حقوق بشری غربی نیز برای این روایت‌ها مرثیه سر می‌دهند. منوتو نیز دقیقاً مشابه همین رویکرد تیر می‌زند «میلونه جنگه، پایان حمله» یا در خبری دیگر به آتش کشیدن خیابان را با تیر «خروش آریایی» ضرب می‌دهد تا به این طریق قربانیان تهاجم آشتبیار اسکندر مقدونی به تخت جمشید را با خود اسکندر همانندسازی کرده باشد. این شبکه همچنین ویدئو به آتش کشیدن خودرو پلیس را نشان داده و صحبت‌های آشوبگر حاضر در صحنه را اینگونه پوشش می‌دهد: «ماشین یگان ویژه را آتش زده‌اند. دوستان زحمش را اکشیده‌اند.» این تصاویر به قدر کافی گویای تصویر ایران ویرانی که شعبان بی‌مخ‌های مدرن رؤیایش داشته و با افتخار فریادش می‌زند نشان می‌دهد.



طرفداران او در اعتراض به آرای انتخابات ۲۰۲۰، کاهش یافته بود بار دیگر احیا شده و افزایش یافته است؛ این اتفاق حکایت از پشتیبانی دولت عمیق و هینت حاکمه آمریکا از او برای پیشبرد برخی سیاست‌های کلان و حیاتی است. نشانه دوم به متمرکز شدن و تقویت دولت او مربوط است. در دولت اول ترامپ صدهای اعتراض و انتقاد از درون دولت و حزب جمهوری خواه علیه وی به تعدد بلند شد؛ اما در دولت دوم هیچ خبری نیست. اعضای دولت درباره ترامپ تملق می‌کنند و در میان نمایندگان جمهوری خواه در کنگره، اندک صداهایی علیه او بلند است.

ترامپ در انتخابات شهرداری‌ها از برخی اقدامات ضربه خورده؛ به وضوح حمایت او از جنایت‌های رژیم صهیونیستی و دولت نتانیاهو باعث روی کار آمدن «زهران ممدانی» به‌عنوان شهردار در نیویورک شد، همچنین مجموعه اقدامات او برای ایجاد تصلب در فضای داخلی آمریکا باعث شد در دیگر شهرهای مهم نیز نامزدهای حزب دموکرات نسبت به جمهوری خواهان، توفیق بیشتری کسب کنند.

اگر تعادل داخلی در آمریکا برهم بخورد، هینت حاکمه مجبور به مهار ترامپ خواهد شد حزب دموکرات با کسب جایگاه‌های مهم در کنگره، این وظیفه را برعهده می‌گیرد. پیش از این شیکاگو و حالا مینه‌سوتا عرصه آشوب‌زایی ترامپ شده و گرچه این صحنه به طور موقت کنترل خواهد شد؛ اما تادوم صحنه‌های دیگری در ایالت‌های آمریکا که به نوبت رخ می‌دهند، فشار زیادی به واشنگتن وارد خواهد کرد.



هماهنگی با مוסاد و سیا عمل می‌کنند و بیانیه فراخوان پهلوی صرفاً حفظ چهره ظاهری کار اسست تا گفته شود که این‌ها مردم ایران بودند. در واقع، فراخوان پهلوی، تروریست‌ها را به خیابان نیاورد، بلکه وقتی تروریست‌ها برای آمدن به خیابان و انجام عملیات میدانی آماده شدند و زمان را مناسب دیدند، به پهلوی هم گفته شد فراخوان را برای همان زمان بدهد تا در فضای عمومی و برای کار رسانه‌ای این‌گونه تلقی شود که: اولاً، آن‌هایی که به خیابان آمدند مردم ایران بودند. ثانیاً، مردم ایران به‌خاطر فراخوان پهلوی به خیابان آمدند.

جای خالی مردم را کمک خارجی پر می‌کنند

پهلوی و سازمان‌های امنیتی مافوق او به خوبی می‌دانند که او در میان مردم محبوبیتی ندارد و حتی ترامپ هم اذعان کرد که او در میان مردم ایران نمی‌تواند محبوب باشد. تغییر یک نظام و همان براندازی اگر قرار است از مسیر عادی باشد، باید بتواند از طریق توده‌های مردمی کار خود را پیش ببرد. وقتی یک جریان مدعی براندازی فاقد چنین حمایت و طرف‌دارانی در میان توده مردم است و طرفدار حاکر نمی‌دارد، مجبور است ایده خود برای تغییر حکومت یا پیشبرد اهداف سیاسی‌اش را از طرق دیگر، از جمله اعمال خشونت و یا با دخالت خارجی پیش ببرد.

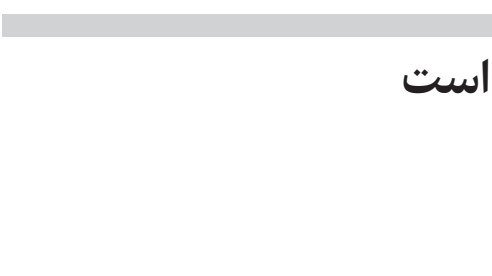
پهلوی که نه‌قدرتی مردمی دارد و نه‌قدرت نظامی و سیاسی، آرزیان قدرت‌های خارجی است تا به آن‌ها التماس کند که به ایران حمله کنند تا من بتوانم انتقام پدر و مادر و خودم را از ایران بگیرم و نیمچه فعالیت سیاسی‌ام را به ثمر برسانم!

پیش از اظهارنظر مقامات دموکرات درباره وقایع مینه‌سوتا، آن را به «هرج‌ومرج» دموکرات‌ها نسبت داده بود. آنچه به دموکرات‌ها امکان ورود به صحنه را داد، کشته‌شدن دوشهرون آمریکایی به‌دست نیروهای گارد ملی بود که با تحریک عواطف و احساسات عمومی همراه شده است؛ در نتیجه ترامپ فعلاً در گوشه رینگ قرار داشته و در موقعیتی نیست که بتواند به دموکرات‌ها حمله کرده و آشوب‌ها را به گردن این حزب بیندازد.

نکات

حزب دموکرات برای ورود به مسئله مینه‌سوتا دو شآن و هدف برای خود قائل است؛ در شأن رقابت با حزب جمهوری خواه، باید از وقایع اخیر برای کسب رای بیشتر استفاده کند تا بتواند سهم بیشتری از قدرت و مناصب را در اختیار بگیرد. در شأن عضوی از هیت حاکمه آمریکا، این حزب باید ضمن ورود به صحنه، با کاستن از شدت وقایع، تلاش کند نیروی خشمگین و اعتراضی موجود را به سمت فرایند سیاسی کشیده و آن‌ها را وادار کند به جای حضور در خیابان برای ضربه زدن به ترامپ، در صندوق رای رای به او آسیب بزنند.

ترامپ در دولت دوم خود بسیار بی‌محاباتر شده و در یک سال فعالیت خود اقداماتی انجام داده که در ۴ سال حضور قبلی، اندکی از آن‌ها را نیز اجرایی نکرده بود. این خود سه نشانه دارد. آزادی عمل ترامپ که پس از شورش ۶ ژانویه و اشغال کنگره توسط



اجابت‌کننده آن، توده‌های مردمی ایران نبودند و همان شسب جنایات وحشتناکی در شهرهای مختلف ایران به وقوع پیوست و چند هزار کشته بر جای گذاشت. آنچه در آن پنجشنبه شب رخ داد، ازدحامی از حملات به املاک دولتی و خصوصی، کشتن افسراد بی‌گناه و عابران بی‌اطلاع، کشته‌گیری از میان افراد فریب‌خورده و همراه شده با حلقه‌های تروریستی و حملات پرتعداد به نیروهای انتظامی و محافظان امنیت، مراکز نظامی، مساجد، فروشگاه‌ها، مدارس، بانک‌ها، مغازه‌ها و منازل مردم، ماشین‌های عمومی و خصوصی و مراکز حاکمیتی بود. آیا آن‌ها که این جنایات را رقم زدند، مردم ایران بودند؟

فراخوان پهلوی برای ۱۸ دی ماه توانست هسته‌های تروریستی پنهان را که

سرویس‌های امنیتی متخاصم در میان ایرانیان شکل داده بودند، از خانه‌های تیمی و مخفی‌گاه‌ها خارج کند و به کف خیابان و میدان عملیات تروریستی بکشاند، اما نتوانست مردم را با خود همراه کند و به این اجتماعات تروریستی، شکل مردمی بدهد. اگر مردم -طبعاً- منظور از مردم یک کشور، اکثریت

غالب است- به این فراخوان‌ها نگاهی مثبت و از سر اجابت داشتند، باید در ادامه هم پای این نگاه و عقیده خود می‌ماندند، اما در ادامه و با دسترسی تروریست‌ها و یا کشته‌شدن آن‌ها، دیگر هیچ فراخوانی از پهلوی نتوانست جمعی همان قدر حداقلی را به خیابان بیاورد و همین امر نشان می‌دهد که فراخوان پهلوی قدرت موج‌سازی مردمی در ایران را ندارد. همان حلقه‌های تروریستی هم از رضا پهلوی دستور نمی‌گیرند، بلکه با

فرهنگ‌یگان

